

روابط اقتصادی ایران و شوروی از شروع دوره تنش‌زدایی تا پایان حکومت پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۴۲ش)

فاطمه زینلی^۱

محمدتقی مختاری^۲

چکیده

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سرآغاز فرمانروایی مطلق شاه در عرصه سیاست داخلی و خارجی ایران بود. محمدرضا شاه کوشید تا در جهان مبتنی بر دو قطب شرق و غرب، منافع ملی و سیاست خارجی خود را با ایالات متحده همسو کند، اما با آغاز دوران تنش‌زدایی در اوایل دهه ۴۰ شمسی، روابط ایران و شوروی در سطوح مختلف سیاسی و اقتصادی بهبود یافت. در این پژوهش، تغییر و تحولات روابط اقتصادی ایران و شوروی از آغاز دوره تنش‌زدایی و اهداف دو کشور در گسترش همکاری‌های اقتصادی بررسی می‌شود. ایران با آغاز دوران تنش‌زدایی و در پیش گرفتن سیاست مستقل ملی به موازات حفظ پیوندهای نزدیک با آمریکا و کشورهای بلوک غرب، در پی برقراری روابط اقتصادی با شوروی برآمد؛ با این هدف که مناسبات ایران و شوروی را در دایره امور اقتصادی محدود کند، حال آنکه روسهداری کاهش وابستگی ایران به جهان غرب بودند.

• واژگان کلیدی

ایران، شوروی، حکومت پهلوی، روابط اقتصادی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۹/۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۱

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه شهید چمران اهواز: f.zeynali88@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه خوارزمی تهران: mokhtari@khu.ac.ir

مقدمه

روابط سیاسی ایران و شوروی در دوره پهلوی دوم، متأثر از تحولات نظام بین‌المللی بود و روابط اقتصادی دو کشور نیز تحت تأثیر این نظام قرار می‌گرفت. در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روابط سیاسی و اقتصادی دو کشور، تحت تأثیر جنگ جهانی دوم، امتیاز نفت شمال، بحران آذربایجان و کردستان، حزب توده و سرانجام سیاست «موازنه منفی» دولت دکترا مصدق قرار داشت. با این همه، مرزهای طولانی، پیشینه تاریخی روابط اقتصادی و تجاری دو کشور و وابستگی اقتصادی ایالات شمالی ایران به همسایه شمالی، روابط اقتصادی را حتی در دوره‌های بحرانی مناسبات سیاسی دو کشور، همچنان برقرار نگاه می‌داشت.

پس از سقوط دولت مصدق در سال ۱۳۳۲ ش. و آغاز جنگ سرد در سطح بین‌المللی، روابط سیاسی و اقتصادی ایران و شوروی بیش از پیش تحت تأثیر نظام بین‌المللی قرار گرفت. شاه «موازنه مثبت» را تحت عنوان «ناسیونالیسم مثبت» جایگزین سیاست «موازنه منفی» کرد و اصل اساسی در سیاست «ناسیونالیسم مثبت»، اتحاد با کشورهای غربی و در رأس آنها ایالات متحده و مقاومت در برابر شوروی بود. ناکامی دولت شوروی برای تسلط بر خاورمیانه در فضای دوقطبی پس از جنگ جهانی دوم، دولت‌مردان این کشور را به ارتقای روابط با ایران برانگیخت؛ به همین سبب، دولت شوروی موافقت کرد ۱۱ تَن طلای ایران را باز پس دهد، اما روابط اقتصادی دو کشور، تحت تأثیر روابط ایران و آمریکا و عضویت ایران در پیمان بغداد و انعقاد قراردادهای نظامی میان ایران و آمریکا کاهش یافت.

این وضعیت تا اوایل دهه ۴۰ شمسی و آغاز دوران تنش‌زدایی در سطح بین‌المللی و داخلی ادامه یافت. در شهریور ۱۳۴۱ش. دولت ایران به اتحاد شوروی «تعهد» داد که به «قدرت‌ها»، «پایگاه موشکی» و «واگذار نخواهد شد. در همین سال شاه برنامه «انقلاب سفید» را آغاز کرد و در عرصه سیاست خارجی «سیاست مستقل ملی» را در پیش گرفت. «سیاست مستقل ملی» شاه در چارچوب پیوند با آمریکا، شامل توسعه روابط با شوروی نیز می‌شد؛ در بخش‌های اقتصادی، تجاری و فنی و از نظر سیاسی کاهش تنش در روابط دو کشور. بدین ترتیب، از سال ۱۳۴۱ش. تا پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ش.، روابط اقتصادی ایران و شوروی در سطحی وسیع گسترش یافت و از سطح مبادلات بازرگانی محدود به مرحله جدیدی از همکاری‌های اقتصادی و فنی و انعقاد موافقتنامه‌های بزرگمانند ساخت ذوب‌آهن اصفهان و ماشین‌سازی اراک منجر شد.

مهم‌ترین انگیزه شاه از گسترش همکاری‌های اقتصادی با شوروی، اهداف سیاسی بود. در این گفتار، ضمن تحلیل انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی ایران و شوروی در گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجاری، به تشریح این روابط در فاصله سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۵۷ش. خواهیم پرداخت.

انگیزه‌های سیاسی ایران و شوروی از گسترش روابط اقتصادی

پس از آنکه علی‌امینی در اجرای سیاست‌های اصلاح‌طلبانه خود ناکام ماند، در تیر ماه ۱۳۴۱ش. استعفاء داد. نخست‌وزیر جدید، اسدالله علم اعلام کرد که دولت ایران برای عادی کردن روابط با اتحاد شوروی کوشش خواهد

کرد (ایوانف، ۱۳۵۶: ۲۷۴). مذاکراتی که از مرداد ۱۳۴۱ ش. و در پی نخست‌وزیری علم میان ایران و شوروی آغاز شده بود، در شهریور همان سال پایان یافت. در ۲۴ شهریور ۱۳۴۱ دولت ایران در یادداشتی عدم واگذاری پایگاه موشکی به قدرت‌ها را به سفارت شوروی اعلام کرد.

این موضوع که در درجه اول مدیون تحولات بین‌المللی و کاهش تنش در روابط شرق و غرب بود، سطح وسیعی از همکاری‌های اقتصادی و فنی را در روابط ایران و شوروی در پی آورد. البته شاه در ابراز تمایل خود برای توسعه روابط با اتحاد شوروی، پیوسته می‌کوشید آن را در عرصه‌های اقتصادی و فنی محدود نگاه دارد. از سوی دیگر «با روی کارآمدن برژنف در سال ۱۳۴۳ ش.، ضمن ادامه سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز، رویکرد جدیدی ارائه شد که بر اساس آن مبارزه با امپریالیسم از طریق اتخاذ شیوه‌هایی چون ایجاد و توسعه حوزه‌های نفوذ اقتصادی ادامه یافت» (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۱: ۸).

چنین‌به نظر می‌رسد که مهم‌ترین انگیزه شاه در بسط روابط اقتصادی با شوروی، اساساً سیاسی بود. او می‌خواست انگیزه‌های سیاسی را از طریق همکاری‌های گسترده تجاری و فنی و اقتصادی برآورده سازد. شاه به ویژه در دهه ۵۰ شمسی می‌خواست همکاری اقتصادی با شوروی ضامن پشتیبانی از سیاست اعمال نفوذ وی در منطقه باشد و در نتیجه، شوروی روابطش را با بغداد تعدیل کند. گسترش همکاری‌ها با شوروی موجب می‌شد دولت ایران در منطقه و در افکار عمومی جهان وابسته به شرق، فشارهای سیاسی کمتری تحمل کند (کارردانکوس، ۱۳۶۷: ۲۲۸).

در باب انگیزه‌های اقتصادی شاه، چنین به نظر می‌رسد که ایران با توسعه روابط تجاری با کشورهای سوسیالیست، می‌توانست قراردادهای متعددی برای مبادلات تجاری ببندد (کولایی، ۱۳۷۹: ۱۱۸).

گرچه در دوران تنش‌زدایی، محرک‌های سیاسی در زمینه کمک‌های اقتصادی شرق و غرب تا اندازه‌ای کاهش یافت، اما باز هم در هر دو، خصوصیات از این محرک‌ها دیده می‌شد. سیاست کمک خارجی شوروی و کشورهای اروپای شرقی بر این پایه استوار بود که کشورهای در حال توسعه با این کمک‌ها صنعتی شده و از نظر اقتصادی به خود متکی شوند و از دایره نفوذ نیروهای مستعمراتی سابق و کشورهای سرمایه‌داری بیرون روند و به کشورهایی که دارای نظام کمونیستی یا متمایل به آن هستند، نزدیکتر گردند. بر اساس این فرضیه، کمک شوروی و کشورهای اروپای شرقی به دولت‌های ممالک در حال توسعه بیشتر در زمینه صنایع سنگین بود تا بدین طریق، اتکاء آن کشورها به کشورهای پیشرفته غرب کاهش یابد (نشریه وزارت خارجه، شهریور ۱۳۴۵: ۴۳). بنابراین، اتحاد شوروی و متحدان آن کوشیدند بر پایه گسترش مبادلات بازرگانی و کمک‌های اقتصادی، به شاه کمک کنند تا اتکای ایران به غرب کاهش یابد. در مقایسه با آمریکا و غرب، کمک شوروی به کشورهای در حال توسعه، غالباً با شرط‌های سیاسی، نظامی و دیگر شروط که با استقلال و منافع ملی این کشورها مغایرت داشته باشد، همراه نبود (اسدی، ۱۳۷۱: ۵۰). این موضوع به ویژه به شاه کمک می‌کرد تا با اطمینان بیشتری با شوروی به تعاملات اقتصادی بپردازد. از سوی دیگر، دولت شوروی در دهه ۵۰ شمسی نه امیدی به برقراری حاکمیت رژیم کمونیستی

در ایران داشت و نه امیدی به سرنگونی شاه. بنابراین، ترجیح می‌داد با بهبود روابط با ایران به ویژه از راه نفوذ اقتصادی، از امنیت مرزهای جنوبی خود اطمینان یابد.

همکاری‌های فنی و اقتصادی، اولویت ویژه‌ای در سیاست خارجی اتحاد شوروی در قبال ایران و مواضع منطقه‌ای و جهانی آن به دست آورد. رهبری اتحاد شوروی به خوبی دریافته بود که با توجه به میزان وابستگی و همراهی ایران با آمریکا، همکاری در عرصه‌های یاد شده می‌تواند تأمین‌کننده اهداف و سیاست‌های اتحاد شوروی باشد.

روس‌ها گذشته از دلایل سیاسی، برای برقراری روابط خوب اقتصادی با ایران دلایل دیگری نیز داشتند؛ مثلاً در زمینه گاز طبیعی ایران، که به قیمت بسیار مناسبی دریافت می‌کردند؛ به ویژه با توجه به نیاز عمومی به ارز خارجی برای خرید در خارج از محدوده کشورهای سوسیالیستی، خواستار سهمی از بازار رشد پرشتاب ایران بودند و قصد داشتند محصولات دیگری نیز از ایران وارد کنند (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۷۳). همچنین به طور سنتی مهمترین جاذبه بازرگانی با ایران برای شوروی، نزدیکی بازارهای ایران و بهای ارزان حمل و نقل دریایی بود (مهدوی، ۱۳۷۳: ۳۲۱). مجموع عوامل ذکر شده، شرایطی را پدید آورد که به نزدیکی اقتصادی هر دو کشور طی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی انجامید.

روابط اقتصادی ایران و شوروی در فاصله سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۴۱ش.

از سال ۱۳۴۱ش. اختلافات سیاسی ایران و شوروی کاهش یافت و مناسبات دوجانبه رو به گسترش نهاد. در این هنگام، دولت ایران دست اندرکار اصلاحات مورد نظرکنندیرئیس‌جمهور وقت آمریکا بود و در بهمن ماه ۱۳۴۱ش./ ۱۹۶۳م. شاه با انجام همه‌پرسی، برنامه انقلاب سفید را که شامل تحولات اجتماعی و اقتصادی چون اصلاحات ارضی، با وجود مخالفت‌های جدی آغاز کرد. اگرچه اقدام شاه در «اصلاحات از بالا» نمی‌توانست نظر تأیید و پذیرش حکومت مارکسیستی شوروی را جلب کند، زیرا تغییرات اجتماعی- اقتصادی را تنها در سایه انقلابی کارگری ارزیابی می‌کرد، اما تعهد ایران در خودداری از ایجاد پایگاه موشکی خارجی در خاک خود، مسکو را به آرزوی دیرینه‌اش رسانده بود و به همین سبب، شوروی ضمن تأیید انقلاب سفید شاه، مخالفان برنامه‌های شاهانه را «مرتجع» خواند (کارردانکوس، ۱۳۶۷: ۲۲۴).

در ۵ مرداد ۱۳۴۲ش./ ۲۷ ژوئیه ۱۹۶۳م. نخستین قرارداد همکاری اقتصادی و فنی میان ایران و شوروی در تهران به امضاء رسید. در این قرارداد، همکاری ایران و شوروی در این موارد پیش‌بینی شده بود: ساختمان تأسیسات هیدروتکنیک-ایجاد سد، دو نیروگاه هریک با قدرت ۲۲ هزار کیلو وات در منطقه مرزی رود ارس و همچنین ساختمان سد در منطقه گردیز- اصلاندوز که امکان آبیاری ۱۲۰ هزار هکتار زمین را فراهم می‌کرد. در این قرارداد، همکاری‌های ایران و شوروی در لایروبی آب‌های ساحلی دریای خزر در بندرپهلوی، ساختمان تأسیسات صنایع ماهی و تهیه گزارش در باره تکثیر ذخایر ماهی در آب‌های

ساحلی ایران در دریای خزر پیش‌بینی شده بود. بر طبق این قرارداد، اتحاد شوروی در ساختمان ۱۱ سیلو در مناطق مختلف ایران با ظرفیت کلی ۸۰ هزار تن کمک‌های فنی می‌کرد. سال ۱۳۴۳ ش. / ۱۹۶۴ م. برای برقراری ارتباط هوایی میان ایران و شوروی قراردادی بسته شد (گزارش سالیانه وزارت امور خارجه، ۱۳۴۶: ۲۰). در پی این قرارداد، کمک‌های اقتصادی شوروی به ایران نیز آغاز گردید: شوروی برای هزینه‌های ساختمانی این تأسیسات، وامی معادل ۳۸/۹ میلیون دلار اعتبار در اختیار ایران گذاشت. مدت این وام ۱۲ سال و نرخ بهره آن سه و سه پنجم درصد بود (نشریه وزارت خارجه، شهریور ۱۳۴۵: ۴۲).

در سفر برژنف به ایران در آذر ۱۳۴۲ ش. قراردادی برای عملیات اکتشافی مشترک میان دو کشور منعقد شد. در شهریور ۱۳۴۳ ش. / سپتامبر ۱۹۶۴ م. اقبال مدیر عامل شرکت ملی نفت به مسکو سفر کرد و قرارداد اکتشاف نفت شمال ایران را به امضاء رساند. در مهر همین سال، قرارداد ترانزیت حمل کالاهای ایران از طریق شوروی به اروپا و کالاهای شوروی از طریق ایران به خاور دور به امضاء رسید (حیدرنیا، ۱۳۵۳: ۳۵-۳۳).

در بهمن ۱۳۴۳ ش. شوروی اعتبار کوتاه مدتی به مبلغ ۱/۷ میلیون دلار با نرخ بهره ۳/۶ درصد، برای تأمین وسائل مرکز برق تبریز در اختیار ایران قرار داد (نشریه وزارت امور خارجه، شهریور ۱۳۴۵: ۴۲).

در سفر شاه در خرداد ۱۳۴۴ به مسکو، رهبران دو کشور درباره بسط و گسترش مناسبات اقتصادی و بازرگانی و همکاری‌های سیاسی و صنعتی میان دو کشور مذاکره کردند. در پایان این سفر با صدور اعلامیه مشترک، طرفین با اظهار

رضایت از توسعه روابط، متذکر شدند که موافقتنامه همکاری اقتصادی و فنی دو کشور که اسناد مصوب آن را وزیران امور خارجه دو کشور مبادله کرده بودند، با موفقیت اجراء می‌شود. ایران به مناسبت واگذاری امکانات وسیع برای عبور کالاهای ایران از طریق خاک شوروی، از آن جمله استفاده از راه آبی ولگا- بالتیک، یعنی کوتاه‌ترین راه ترانزیتی میان ایران و شماری از بنادر اروپا اظهار رضایت کرد (همان: ۵۲).

مهم‌ترین موافقتنامه تاریخی و تعیین‌کننده در روابط دو کشور، موافقتنامه همکاری اقتصادی و فنی برای احداث کارخانه ذوب آهن اصفهان و تأسیس ماشین‌سازی اراک بود. این موافقتنامه در ۲۳ دی ۱۳۴۴ ش. / ۱۳ ژانویه ۱۹۶۶ م. در مسکو به امضاء رسید. توافقات مقدماتی میان هیئت نمایندگی ایران و نماینده دولت اتحاد شوروی در ۱۳ مهر ۱۳۴۴ ش. انجام گرفته بود. در این موافقتنامه، بر سر تأسیس کارخانه ذوب آهن اصفهان، احداث شاه لوله گاز و تأسیس کارخانه ماشین‌سازی اراک توافق شده بود. بنابر ماده ۱ این توافقنامه، ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در موارد ذیل همکاری می‌کردند: تأسیس کارخانه ذوب آهن، احداث شاه لوله گاز، تأسیس کارخانه ماشین‌سازی و بنابر ماده ۲ توافقنامه قرار شد سازمان‌های شوروی این موارد را بر عهده گیرند: انجام کارهای اکتشافی و تحقیقاتی، طراحی مورد لزوم، تهیه و تحویل تجهیزات، ماشین‌ها، مصالح، وسائل مکانیکی و ساختمانی زمین‌شناسی، نظارت در اجراء و مشاوره هنگام ساخت تأسیسات و نیز تعلیم فنی افراد ایرانی برای کمک در نصب و تنظیم و به راه انداختن تجهیزات ماشین‌ها. همچنین برای کسب تعلیمات فنی در امور تولیدی،

ایرانیان در مؤسسات اتحاد شوروی پذیرفته شوند. در این قرارداد همچنین موافقت شده بود که در انجام کارهای تحقیقاتی و اکتشافی، طراحی، تهیه و تحویل تجهیزات، ماشین‌ها و مصالح برای ساخت تأسیسات، سازمان‌های ایرانی بتوانند حداکثر کارهای مقدور را برعهده گیرند (سنایی و کرمی، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

در پی این موافقتنامه، شوروی برای تأسیس کارخانه ذوب‌آهن با ظرفیت ۶۰۰ هزار تن و کارخانه ماشین‌سازی و همچنین تأمین قسمتی از لوازم لوله‌کشی گاز، اعتباری برای ایران در نظر گرفت؛ این اعتبار معادل ۲۸۸/۹ میلیون دلار با نرخ بهره ۲/۵ درصد و مدت بازپرداخت ۱۲ ساله بود و ایران در مقابل، گاز و کالا به شوروی صادر می‌کرد. (نشریه وزارت امور خارجه، شهریور ۱۳۴۴: ۴۲). این رقم اعتبار، ۴۴٪ کل کمک اقتصادی شوروی در این سال به کشورهای عقب‌نگهداشته شده بود (حیدرنیا، ۱۳۵۳: ۳۴) که بیانگر تمایل خاص شوروی به نفوذ در ایران و اهمیت و جایگاه ایران در سیاست خارجی شوروی است.

انگیزه شاه در خرید کارخانه ذوب آهن از روس‌ها بیشتر ماهیت سیاسی داشت، در حالی که می‌توانست کارخانه‌ای بهتر و ارزان‌تر از کشوری دیگر خریداری کند، اما تفاوت خرید کارخانه ذوب‌آهن از شوروی از لحاظ سیاسی فاحش بود (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۳۷۰). چنانکه اسدالله علم در یادداشت‌های خود به انگیزه‌های سیاسی شاه در این باره اشاره کرده است و می‌گوید: «خود شاهنشاه روزی به من فرمودند که لوله گاز شوروی به اندازه چندین لشکر در شمال به من کمک می‌کند» (علم، ۱۳۷۷: ۱۳۷/۲)

ضرورت توسعه اقتصادی و خودداری کشورهای صنعتی غرب در ایجاد صنایع اساسی، همچنین فشار افکار عمومی و کوشش شاه برای کسب استقلال در سیاست خارجیاز جمله عوامل اصلی عقد این موافقتنامه بود. در مقابل، حکومت شوروی نیز نمی‌خواست ایران برای اتحاد شوروی تهدیدی امنیتی باشد.

از آن‌جا که صنایع ذوب‌آهن کلید پیشرفت صنعتی کشورهاست، به‌رغم انتقادهاییکه از جنبه سود اقتصادی به کارخانه ذوب‌آهن اصفهان وارد می‌شد، باید پذیرفت که در شرایط داخلی و بین‌المللی زمان عقد موافقتنامه، تأسیس کارخانه ذوب‌آهن و صنایع ماشین‌سازی از جهت کمک به استقلال صنعتی ایران، صرفه‌جویی در ارز و اشتغال‌زایی واقع‌بینانه بود (ازغندی، ۱۳۷۹: ۲۷۹).

در سال ۱۳۴۶ ش. / ۱۹۶۷ م. میان ایران و شوروی توافقی در باره همکاری‌های اقتصادی و فنی دو کشور در دوره چهارمین برنامه پنج‌ساله رشد و توسعه اقتصادی ایران (۱۳۵۲-۱۳۴۷ ش. / ۱۹۷۳-۱۹۶۸ م.) حاصل شد. بدین منظور اتحاد شوروی و ایران موافقت کردند که نمایندگان دو کشور در سطح وزیران، سالیانه در کمیسیون مختلط با یکدیگر ملاقات کنند. در اردیبهشت ۱۳۴۹ ش. اتحاد شوروی و ایران موافقت کردند که ارتباط تلفنی مستقیم میان مسکو و تهران برقرار شود. در ۱۵ مهر ۱۳۴۹ ش. / ۷ اکتبر ۱۹۷۰ م. میان اتحاد شوروی و ایران موافقتنامه‌ای به امضاء رسید که در آن همکاری دو کشور در تأسیس ۸ آموزشگاه حرفه‌ای در ایران و واگذاری ۸ میلیون روبل اعتبار از جانب اتحاد شوروی پیش‌بینی شده بود (ایوانف، ۱۳۵۶: ۲۷۶-۲۷۵).

همگام با توسعه موفقیت‌آمیز همکاری‌های اقتصادی و فنی، روابط بازرگانی میان دو کشور نیز گسترش یافت: در حالی که در سال ۱۳۴۲ ش. حجم تجارت خارجی حدود ۳۲ میلیون دلار بود، این رقم در سال ۱۳۴۸ ش. به ۸۵/۲ میلیون دلار رسید. اتحاد شوروی عمدتاً مواد اولیه محصولات کشاورزی و برخی از تولیدات صنایع نوین را از ایران می‌گرفت و در مقابل، ماشین‌آلات، فولاد، کاغذ، سیمان، شکر و روغن گیاهی صادر می‌کرد (حیدرنیا، ۱۳۵۳: ۴۸-۴۷).

در دیدار آبان ۱۳۴۹ نیکلای پادگورنی، صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی از ایران، در باره افزایش روابط اقتصادی ایران و شوروی بحث و گفتگو شد. پادگورنی در مراسم افتتاح خط لوله سرتاسری گاز در ۶ آبان ۱۳۴۹ ش. / ۲۷ اکتبر ۱۹۵۰ م. آن روز را در روابط دو کشور بسیار تاریخی ارزیابی کرد و افزود که توسعه ثمربخش روابط میان دو کشور در شئون مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به نحو آشکاری، امکان همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری‌های متقابل کشورهای دارای نظام‌های اجتماعی گوناگون را فراهم می‌آورد. شاه در این مراسم بر ضرورت توسعه همکاری‌های اقتصادی و تأمین منافع هر دو کشور تأکید کرد و پیشنهاد داد که دو کشور برنامه‌ای پانزده ساله برای گسترش روابط تنظیم کنند. او سرانجام از مرزهای ایران و شوروی به عنوان مرزهای صلح و دوستی یاد کرد (گزارش سالیانه وزارت امور خارجه، ۱۳۵۰: ۵۲).

بدین ترتیب، در دهه ۱۳۴۰ شمسی زمینه‌های توسعه هر چه بیشتر روابط ایران و شوروی مبنای مستحکم‌تری یافت و نوسان در روابط سیاسی دوجانبه، از روند گسترش روابط دوجانبه نکاست و توافقی‌های دوجانبه را متزلزل نکرد.

دستاورد چشمگیر مسافرت شاه به مسکو در مهر ۱۳۵۱ قرارداد جدید ۱۵ ساله اقتصادی و فنی بود. این قرارداد پس از ۱۵ سال به طور خود به خود هر پنج سال تمدید می‌شد، مگر آنکه یکی از دو طرف، یک سال قبل از انقضای موعد قرارداد، خواست خود را برای قطع آن اعلام می‌کرد (حیدرنیا، ۱۳۵۳: ۳۸). در این سفر، برژنف در سخنانی گفت: امضاء پیمان دوستی پانزده ساله در زمینه همکاری - های اقتصادی و فنی و همچنین برنامه پنج ساله برای مبادلات فرهنگی میان ایران و شوروی، راه را برای آینده‌ای روشن در روابط دو کشور باز می‌کند (اطلاعات، ۲۰ مهر ۱۳۵۳: ۲۱).

شاه نیز در سخنانی، ضمن اشاره به افزایش ۵ برابری حجم مبادلات کالا میان دو کشور در پنج سال اخیر گفت: قرارداد توسعه همکاری‌های اقتصادی و فنی پانزده ساله آینده، حجم مبادلات را باز هم افزایش خواهد داد. به گفته وی، رقم صدور گاز طبیعی از ایران به شوروی در یک سال گذشته، ۶۲٪ افزایش یافته بود (همان: ۲۱).

در پی این قرارداد در سال ۱۳۵۲ ش. / اکتبر ۱۹۷۳ م. در پنجمین جلسه کمیسیون دائمی شوروی و ایران، ویژه همکاری‌های اقتصادی دوجانبه، درباره همکاری دو کشور در ساخت تأسیسات صنعتی در ایران از جمله ساختمان نیروگاه حرارتی با قدرت ۶۰۰ هزار کیلووات ساعت نیروی برق در اهواز، توسعه ظرفیت تولیدی کارخانه ماشین‌سازی اراک و همکاری در پرورش کادر فنی در ایران توافق حاصل شد (ایوانف، ۱۳۵۶: ۲۷۶).

تا سال ۱۳۵۴ ش. / ۱۹۷۵ م. اتحاد شوروی در ساختمان ۱۳۰ مؤسسه صنعتی به ایران کمک می‌کرد و از این شمار، تا آغاز ۱۳۵۵ ش. / ۱۹۷۶ م. از هفتاد و چهار مؤسسه بهره‌برداری شد. دیدارهای متقابل شخصیت‌های دولتی ایران از اتحاد شوروی و رهبران اتحاد شوروی از ایران در توسعه روابط ایران و شوروی اهمیت خاص داشت: شاه، هویدا نخست‌وزیر و دیگر شخصیت‌های دولتی ایران بارها به اتحاد شوروی مسافرت کردند و رهبران اتحاد شوروی برژنف، پادگورنی و کاسیگین، معاونان رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی به ایران آمدند (همان: ۲۷۶).

در زمینه بازرگانی، در سال‌های ۱۳۵۲-۱۳۴۴ ش. اتحاد جماهیر شوروی میان خریداران خارجی کالاهای ایران دارای مقام اول بود و حجم صادرات ایران به اتحاد شوروی، یک چهارم کلیه صادرات ایران به کشورهای خارجی شمرده می‌شد (همان: ۲۷۷). همچنین، ایران پس از هند و مصر در ردیف سوم کشورهای جهان سوم برای دریافت کمک اقتصادی از شوروی و متحدان اروپای شرقی قرار می‌گرفت. ایران پس از مصر در ردیف دوم کشورهای واردکننده مصنوعات روسی در میان کشورهای دنیا بود (حیدرنیا، ۱۳۵۳: ۴۰).

کمک‌های علمی و فنی شوروی به ایران چنان دامنه‌ای داشت که حضور بیش از سه هزار مشاور اهل شوروی را در ایران ضروری کرده بود (ایرانی، ۱۳۷۰: ۳۶).

در زمینه نظامی نیز در مرداد ۱۳۴۵ ش. / ژوئیه ۱۹۶۶ م. ایران با شوروی قراردادی ۱۱۰ میلیون دلاری برای خرید اسلحه منعقد کرد. شوروی در مدت ۵ سال در فاصله سال‌های ۱۳۴۹-۱۳۴۴ ش. / ۱۹۷۰-۱۹۶۵ م. حدود ۳۴۴ میلیون دلار تجهیزات نظامی به ایران فروخت. در سال‌های پایانی دهه ۵۰ شمسی / ۷۰

میلاادی مسکو سهمی ۲ درصدی (۲۱۰ میلیون دلار) در بازار اسلحه ایران به دست آورد (کدی و گاز یوروسکی، ۱۳۷۹: ۴۲-۴۱).

از موضوعات اختلاف برانگیز در روابط اقتصادی دو کشور، بهای گاز صادراتی به شوروی بود. شوروی می‌دانست که معامله گازی با ایران بسیار سودمند است. گاز ایران مصرف جمهوری‌های آسیایی شوروی را تأمین می‌کرد و مازاد آن را به بهای ارزهای قوی به کشورهای اروپای غربی می‌فروخت تا از محل آن، تکنولوژی پیشرفته از آنان خریداری کند. دولت شوروی می‌توانست گاز را به بهای نازل به متحدانش در اروپای شرقی نیز بدهد. بدین‌سان ایران - همراه با افغانستان - نخستین منبع تأمین گاز طبیعی شوروی شد. اختلاف در تابستان ۱۳۵۲ ش. / ۱۹۷۳ م. از هنگامی آغاز شد که ایران دریافت که بهای گاز صادراتی به شوروی بسیار ارزان‌تر از بهای گاز در بازارهای جهانی است و شوروی، همین گاز را به چهار برابر بها به مشتریان خود می‌فروشد. اختلاف چندان بود که مسکو پذیرفت بهای گاز را ۳۵ درصد افزایش دهد. با این همه، این رقم هنوز از ۴۰۰ درصد افزایشی که خود در قیمت فروش گاز به دیگران می‌داد، فاصله داشت (کارردانکوس، ۱۳۶۷: ۲۲۸). اسدالله علم ضمن اشاره به تمکین شوروی در این باره و موافقت با افزایش دویست میلیونی اضافه پرداخت قیمت گاز به ایران در هر سال، بر اهمیتی که دولت شوروی در روابط با ایران قائل است، تأکید کرده است (علم، ۱۳۷۷: ۱۰۵).

در سلسله موافقتنامه‌ها، سرانجام در آذر ۱۳۵۴ ش. / نوامبر ۱۹۷۵ م. رهبران مسکو و تهران موافقتنامه‌ای بیست ساله برای ارسال گاز طبیعی به آلمان فدرال و

فرانسه از راه شوروی و تولید لوله‌های مخصوص که با همکاری ایران و شوروی تولید می‌شد، امضاء کردند (کارردانکوس، ۱۳۶۷: ۲۲۸).

حوادث و تحولات داخلی ایران در فاصله زمانی اواسط ۱۳۵۶ تا پاییز ۱۳۵۷ ش. تأثیر چندانی بر مناسبات اقتصادی و صنعتی با شوروی نداشت (عطارزاده، ۱۳۷۸: ۱۸۰). در ۲۰ فروردین ۱۳۵۷ نیکلای اورتیکف، معاون وزارت بازرگانی خارجی شوروی در مصاحبه با خبرنگار رادیو مسکو درباره روابط ایران و شوروی گفت که حجم بازرگانی دو کشور در سال گذشته به عالی‌ترین سطح رسیده و نسبت به سال پیش ۵ درصد افزایش یافته است (ازغندی، ۱۳۷۹: ۳۲۸). در مهر ۱۳۵۷ مطبوعات شوروی از افزایش شگفت‌آور پیوندهای اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی با ایران سخن به میان آوردند. در هفته اول مهر، دولت شوروی موافقتنامه‌ای برای تأمین برق شهر اصفهان با دولت ایران امضاء کرد. هزینه احداث این نیروگاه ۸۰۰ مگاواتی ۴۱۰ میلیون دلار تخمین زده می‌شد و می‌بایست از محل صدور گاز به شوروی تأمین گردد (کیهان، ۸ مهر ۱۳۵۷: ۱۵).

بدین ترتیب، دولت ایران با وجود وابستگی همه جانبه به آمریکا و در عین اختلافات گاه و بی‌گاه سیاسی با شوروی، پیوندهای اقتصادی خود را با این دولت حفظ و تقویت کرد. دولت شوروی نیز در اوج بی‌ثباتی سیاسی در ایران، سیاست شاه برای صنعتی کردن کشور را شایسته پشتیبانی می‌دانست و گذشته از سودآوری تجارت با ایران، به جایگاه و نقش این کشور در ثبات منطقه خلیج فارس اهمیت خاص می‌داد.

نتیجه

از سال ۱۳۴۱ش. رفتار ایران، به عنوان بخشی از تفاهم وسیع‌تر دو ابرقدرت در سطح نظام بین‌الملل، نسبت به شوروی تغییر کرد. دولت ایران در این سال برای عدم واگذاری پایگاه موشکی به قدرت‌ها به دولت شوروی تعهد داد. از آن پس، روابط دو کشور در بُعد سیاسی بدون بحران خاصی جریان داشت و در بُعد اقتصادی، در سطح همکاری‌های اقتصادی و فنی نیز گسترش یافت. شاه همکاری اقتصادی با شوروی را ضامن سروری در منطقه به ویژه در خلیج فارس و تعدیل روابط شوروی با بغداد می‌دانست و از آن سوی، شوروی گسترش روابط را وسیله‌ای برای جلوگیری از وابستگی بیشتر ایران به جهان غرب مخصوصاً آمریکا و مانعی برای تبدیل ایران به تهدیدی امنیتی برای خود می‌دید. از سال ۱۳۴۱ش. تا پایان دوره پهلوی، روابط اقتصادی ایران و شوروی از چارچوب مبادلات بازرگانی به مرحله جدیدی از همکاری‌های وسیع اقتصادی و فنی رسید: موافقتنامه احداث کارخانه ذوب‌آهن اصفهان و تأسیس ماشین‌سازی اراک. شوروی همچنین از برنامه انقلاب سفید و اصلاحات ارضی شاه- به رغم تضاد با ایدئولوژی مارکسیستی‌اش- حمایت کرد. عقد قرارداد ۱۵ ساله اقتصادی و فنی در مهر ۱۳۵۱ و موافقتنامه احداث خط لوله انتقال گاز ایران به شوروی در سال ۱۳۵۴ نیز از جمله اقدامات مهم اقتصادی دو کشور در این دوره بود. در زمینه بازرگانی، در دو دهه آخر سلطنت محمدرضا شاه، مبادلات آنچنان وسیع بود که می‌توان شوروی را در سال‌های آخر حکومت پهلوی، بزرگترین بازار کالاهای ساخت ایران دانست. به طور کلی، در دو دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی شاه توانست ضمن حفظ اتحاد با غرب، با

همکاری وسیع اقتصادی، فعالیت و نظر دولت شوروی را در مسائل داخلی و منطقه‌ای خاموش کند. شوروی هم ضمن کسب منافع اقتصادی سرشار به تعدیل روابط ایران با غرب پرداخت.

منابع و مأخذ

کتاب‌ها

- ازغندی، علیرضا، (۱۳۷۹)، روابط خارجی ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰ (دولت دست‌نشانده)، تهران: نشر قومس.
- اسدی، بیژن، (۱۳۷۱)، علائق و استراتژی ابرقدرتها در خلیج فارس ۱۳۶۸-۱۳۵۷، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ایرانی، ناصر، (۱۳۷۰)، «روابط ایران و آمریکا و شوروی از جنگ بین‌المللی دوم تاکنون»، شماره ۶۴، ص ۳۶، نشریه: اطلاع‌رسانی و کتابداری.
- ایوانف، م.س، (۱۳۵۶)، تاریخ نوین ایران، ترجمه: هوشنگ تیزابی و حسن قائم‌پناه، تهران: نشر سلوچ.
- حیدرنیا، محسن، (۱۳۵۳)، روابط نو استعماری شوروی با ایران ۱۹۷۳-۱۹۵۶، [بی‌جا]: انتشارات ندا.
- سنایی، مهدی و جهانگیر کرمی، (۱۳۸۸)، روابط تجاری ایران و روسیه (مجموعه مقالات)، تهران: ایراس.
- عطارزاده، مجتبی، (۱۳۷۸)، «بررسی روابط ایران و شوروی در دوره‌ی کمونیسم»، شماره ۲۷، صص ۱۸۰-۱۷۹، نشریه: علوم سیاسی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز.
- علم، اسدالله، (۱۳۷۷)، یادداشت‌های علم، ج ۲، ویراستار: علینقی عالیخانی، تهران: مازیار.
- کاتوزیان، محمدعلی (همایون)، (۱۳۷۲)، اقتصاد سیاسی ایران (از مشروطیت تا پایان سلسله‌ی پهلوی)، چاپ دوم، ترجمه: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- کارردانکوس، هلن، (۱۳۶۷)، نه صلح نه جنگ (امپراتوری جدید شوروی یا حق استفاده از تنش‌زدایی)، چاپ دوم، ترجمه: هوشنگ مهدوی، تهران: البرز.
- کدی، نیکی و مارک گازیوروسکی، (۱۳۷۹)، نه شرقی نه غربی: روابط خارجی ایران با آمریکا و اتحاد شوروی، ترجمه: الهه کولایی و ابراهیم متقی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کولایی، الهه، (۱۳۷۹)، اتحاد جماهیر شوروی و انقلاب اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

وزارت امور خارجه ایران، (۱۳۴۶)، روابط خارجی ایران سال های ۱۳۴۶ و ۱۳۵۰، تهران: وزارت امور خارجه.

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، (۱۳۸۱)، چپ در ایران به روایت اسناد ساواک؛ روابط ایران و شوروی (مربوط به سال های ۴۷-۴۱)، تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی. مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، (۱۳۷۳)، سیاست خارجی در دوران پهلوی ۱۳۵۷-۱۳۰۰، تهران: البرز.

نشریات

اطلاعات، شماره ۱۳۹۲۳، ۲۰ مهر ۱۳۵۳

کیهان، شماره ۱۰۶۱۰، ۸ مهر ۱۳۵۷

نشریه وزارت امور خارجه ایران، دوره ۳، شماره های ۱ و ۳، سال های ۱۳۴۵ و ۱۳۴۴